

شب نیاز !

سیرت ندیده ام کجا می روی به ناز !
یک امشب دگر صنما با دلم بساز !

از در درآی مست و به محراب جان نشین
تا از نیاز پیش دو چشمت برم نماز !

عمری است تا به راه تو بگذاشتیم سر
از ما متاب روی مهت در شب نیاز !

ما بار جور ناز تو از جان کشیده ایم
هر چند ناز می کنی بکن ای یار دلنواز !

تا بزم انس امشب ما خوب بگذرد
خوندایم این یکاد و بکردیم برفراز !

گر با منت هنوز سر مهر و آشتی است
پیشست کنیم دست تمنای دل دراز !

رضا شاپوریان
چهارشنبه ۱۳ مای ۱۹۹۸